

اعتصاب کارگران پریس سنندج ، تجربه ای دیگر

بهزاد سهرابی

دوستان ، رفقای کارگر ، بحث بر سر شکست یا پیروزی مبارزات طبقه کارگر قدمتی بس طولانی از زمان پیدایش نظام سرمایه داری تا به امروز داشته و دارد . بی شک در هر مرحله از تاریخ جنبش طبقه کارگر این مبارزات با افت و خیزهای خاص خود روبرو بوده و تنها چیزی که ثلابت و عظمت طبقه کارگر را در این کارزار طبقاتی تا به امروز ادامه داده مبارزه پیگیر و متحدانه و خستگی ناپذیر این طبقه بوده است . طبقه کارگر با گذشت از تمام موانع جدی در بر خورد با انواع گرایشات و جریانات فرمیستی و انواع گرایشات غیره طبقاتی و صف بندی با دید گاه های سندیکا لیستی و مرز بندی با انواع فرقه گرایی های موجود حزبی خارج از طبقه و با تمام جریانات فکری مماشات گرانه که در جهت برقراری تفاهم فی مابین کار و سرمایه هستند ، همیشه شاهد پیشروی و یا عقب نشینی گاهاً تاکتیکی توسط طبقه کارگر بوده ایم . این عقب نشینی و تاکتیک بعضاً به خاطر فشار عوامل سرمایه در بعضی شرایط بنفع سرمایه بوده و این تنها بعلت عدم توازن قدرت طبقه کارگر بوده که نظام سرمایه داری با حافظان ریز و درشت خود ، از فرصت طلبان و فریبکاران رنگارنگ گرفته تا استفاده از اهرم زندان و فشار نیروهای پلیسی و امنیتی بر علیه منافع طبقاتی طبقه کارگر قد علم کرده اند . طبقه کارگر در ایران به خاطر شرایط ویژه و نداشتن هر گونه تشکل کارگری و اتحاد عمل بین کارگران در قالب سراسری خود بر این اساس بحث بر سر مباحث شکست یا پیروزی طبقه کارگر بدون در نظر گرفتن این فاکتور اساسی ، دچار توهم و عدم رسیدن به نقطه مشترکاتی خواهیم شد که سیر پیشروی طبقه کارگر را می تواند به چالشهای غیره طبقاتی و دور نمائی غیره واقعی هدایت و رهبری کند . طبقه کارگر در ایران هم از تشکل واقعی خود ، و هم از فعالین واقعی و دلسوز خود محروم می باشد و بدین دلیل هم خواست طبقاتی و آگاهی طبقاتی در مسیر اولیه و سیر تکوینی خود طی طریق نموده و این امر مهم باید با درایت و آگاهی توده های وسیع کارگران به رهبری فعالین موجود در دل طبقه کارگر ، کار سازماندهی و رهبری شود که این کار ، نه دشوار و نه غیره ممکن اما بی شک کاری بزرگ و دراز مدت و خاصه در یک پروسه مبارزاتی و پیروزی زمانی خاص است که می توان به این امر نائل آمده . طبقه کارگر در ایران مبارزات روتین خود را در عرصه های مختلف مبارزاتی هر روزه در مقابل نظام سرمایه داری به نمایش میگذارد ، اما آنچه حائز اهمیت است این می باشد که جدای از استثنائات ، اکثر مطالبات کارگری در حالت تدافعی ، و خواست و مطالباتی است که حامیان سرمایه به طبقه کارگر تحمیل کرده اند تا کارگران از مبارزات و خواستهای واقعی خود دور شوند و نهایتاً در سطح مبارزات و خواستهای صنفی و سندیکائی تقاضائی بیشتر نداشته باشند . با نگاهی به اعتراضات ، اعتصابات و مبارزات هر روزه کارگران ما شاهد آنیم که بیشتر مطالبات هنوز در مرحله ای است که باید فعالین کارگری بتوانند از این خواست کارگری در جهت ارتقای خواست و دیگر مطالبات که طبیعتاً باید خواستی رادیکال در جهت دستیابی به افق و درو نمایی باشد که بتوان حول مطالبات اساسی که باعث اتحاد عمل کارگران باشد حرکت کرد ؛ با بررسی این موضوع می توان نتیجه گرفت که مبارزات روتین و پراکنده و منطقه ای و کارخانه ای و حتی خواست و مطالبات صنفی که در نهایت میتوان گفت که تدافعی می باشد ، تنها بر این واقعیت استوار است که طبقه کارگر فاقد تشکل سراسری خود می باشد و به خاطر این عدم انسجام و اتحاد طبقاتی ، ناچاراً " طبقه کارگر از بیان خواست و مطالبات طبقاتی دور شده که چرا این توازن قدرت که بتواند اهداف نهائی را رقم بزند بعلت عدم این توازن و تشکل ناچاراً " خواست و مبارزاتش را تقلیل داده و نهایتاً در رسیدن به خواستها دچار شکست می شود و این شکست به مرحله ای می رسد که کارگران و مبارزات کارگری را دچار روزمرگی میکند و این روند نه تنها خسته کننده ، بلکه باعث انفعال و خستگی مفرط کارگران می شود . سیر و تکوین مبارزه طبقاتی و هدایت و سازماندهی این مبارزه توسط توده های کارگر و فعالین کارگری بدون بررسی جایگاه طبقاتی و تشکل کارگری و عدم شناخت این توازن قدرت در هدایت و رهبری و پیشروی مطالبات و سازماندهی دچار سر در گمی خواهد شد و نه تنها این مبارزات سیر پیشروی خود را طی نمی کند

بلکه در رسیدن به اندک مطالبات کارگری با شکست روبرو خواهیم شد که این شکست می تواند باعث رکود مبارزات جاری طبقه کارگر شود. مبارزه طبقاتی با پیروزی های خود و رسیدن به خواست و مطالبات کارگری می تواند روحیه و جسارت طبقاتی را افزون و عدم این موفقیت باعث دل سردی و رکود مبارزات کارگری شود. تبادل نظر بر سر مسائل شکست و پیروزی و دستاوردهای طبقاتی بدون در نظر گرفتن آنچه که گذشت در نتیجه گیری و تجارب کارگری ابهاماتی را پدید می آورد که شکست را دوجندان خواهد کرد. با توجه به عدم تشکل و اتحاد عمل کارگران در ایران و عدم توازن قدرت طبقاتی و عدم آگاهی طبقاتی بطور عام در میان طبقه کارگر، بحث بر سر شکست به نظر من غیرمنصفانه و بدور از واقعیت می باشد. در شرایطی که همبستگی طبقاتی و یک جنبش سراسری و عظیم وجود ندارد نمی توان حرکات و اعتراضات کارگری را با این نتیجه که دستاورد طبقاتی نداشته و کارگران در بیان خواست مشخص و مبارزه طولانی به آن خواست نائل نیامده، بلافاصله شکست مبارزه مطرح و بدون پارامترهای موجود در مسیر مبارزات کارگری را نه تنها تحت عنوان عدم موفقیت نام شکست را برگزید. با بررسی جنبش طبقه کارگر به مثابه طبقه جهانی و درس گرفتن از نقاط ضعف و قوت این مبارزات بخوبی روشن و مبرهن است که در هر جا طبقه کارگر دارای تشکل سراسری بوده توانسته است نه تنها به خواسته های روتین خود برسد بلکه می تواند گامهای بنیادی در جهت بدست گرفتن قدرت سیاسی گام بردارد. طبقه کارگر باید کار سازماندهی و رهبری عملی و پراکسیس و هژمونی طبقاتی را در دستور کار خود بگذارد تا همگام و هم صدا بتواند گامهای استوار را در رسیدن به منافع مشترک برداشته و نه تنها از خواسته های تدافعی دوری گزیند، بلکه بتواند هر روزه دستاوردهائی را بدست آورد که توانمند در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی و تشکل طبقاتی و نهایتاً "دست یابی به قدرت سیاسی گام بردارد. با آنچه گفته شد، مروری کوتاه بر سر اعتصاب پرریس را یاد آور میشوم. کارگران شرکت ریسندگی پرریس بطور عملی در ۳۱ خرداد ۸۵ تا ۱ تیر ماه و از ۲۸ مرداد ۸۵ تا ۴ شهریور ۸۵ بر سر مطالبات اولیه همچون امنیت شغلی، عدم اخراج سازی و بستن قراردادهای یکسان و ابقاء به کار من دست به اعتصاب زدند که داری ویژگیهای خاص خود است. ما در ۳۱ خرداد اعتصاب ۱۶ ساعتی را سازماندهی کردیم که اساس آن بر سر متوقف کردن سیر نزولی قراردادها بوده که در مدت کوتاهی به این خواست نائل و خواست ما اجرا شد اما این عقب نشینی کارفرما و اداره کار بخاطر آن بود که اهداف اساسی تری را، که مسئله اخراج و به خصوص اخراج فعالین کارگری بود می خواستند در شرایط مناسب و با طرح اجرای قراردادهای پله ای به این ترتیب که قراردادها از ۱ ماه تا ۱ سال بسته و بدین ترتیب نفاق و تفرقه ای را سازماندهی کند که کارگران نتوانند با اتحاد عمل در مقابل کارفرما به خاطر تفاوت در زمان عقد قرارداد قد علم کرده و کارفرما با همکاری اداره کار میتوانستند تعداد بیشتری از کارگران پرریس را اخراج کنند. ما کارگران پرریس با علم به اینکه میدانستیم طبق قانون ضد کارگری کار کارفرما میتواند کسانی را اخراج و یکه تاز میدان باشد با تبادل نظر به این نتیجه رسیدیم که باید در مقابل زور و فشار و بی حقوقی سرمایه داران ایستادگی کرد و یک بار هم که شده با توان خود (هر چند ناچیز از نظر کمیت) و نبود هیچگونه تشکل کارگری که بتواند بطور عملی ما را یاری و پشتیبانی کند اما با ایمان به اینکه بتوانیم با حرکتی کارگری و طبقاتی خود خواستی را مطرح کنیم که از حالت صنفی و حالت تدافعی خود بیرون آمده و خواستی بود که اگر ما میتوانستیم به کرسی بنشانیم بی شک در روند مبارزات کارگران ایران جایگاه خاص خود را داشت و دیگر یک خواست کارخانه ای و منطقه ای نبود و سر آغاز حرکتی نه شاید نوین اما دستاوردی بس عظیم در مبارزات کارگری ایران به شمار میامد. پس دستاورد های این حرکت ۱- مطرح کردن یک خواست طبقاتی و رادیکال بود، " عدم اخراج و ابقا به کار بهزاد سهرابی " این خواست یک خواست پایه ای بود که اساس کار و اعتصاب ۸ روزه کارگران پرریس بود و تا آخرین لحظه از این خواست دفاع شد. ۲- حضور فعال و بی وقفه خانواده های کارگران در این اعتصاب بود که جدای از همسران و فرزندانمان، وابستگان ما در این اعتصاب شرکت فعال داشتند ۳- اعتصاب کارگران پرریس به یک متینگ همگانی در شهر سمنان تبدیل شده بود که هر روزه تعدادی از دوستان و فعالین و همشهریان به محل اعتصاب آمده و بر سر مسائل کارگری بحث و تبادل نظر می شد. ۴- کارگران این حقانیت را آموختند که با اتحاد میتوان

در مقابل نظام سرمایه داری ایستادگی کرد و از خواسته‌های خود دفاع نمود. ۵ - کارگران پرریس نشان دادند که باید اعتصاب در خارج از محیط کارخانه صورت گیرد تا بتوان افکار عمومی را به خود جلب کرده و مدرسه ای باشد برای فعالین کارگری . (این چند مورد بعنوان نمونه هایی از دستاوردهای اعتصاب پرریس مطرح شد). کارگران پرریس در شرایط بسیار سخت همچون نبود آب آشامیدنی و سرویس بهداشتی ، گرمای طاقت فرسای زیر چادر ، وجود گزند گان و حشرات و بیماری کودکان خردسال و دیگر شرایط نامساعد و حضور دائمی نیروهای امنیتی در محل اعتصاب و با وجود همگی اینها ما تا آخرین توان موجود بر حقانیت خواست خود پا فشاری و دفاع کردیم ما با وجود تهدید های مستقیم اما با ایمان به خواست طبقاتی ایستادگی کردیم و این ایستادگی ما باعث ترس و رعب نیروهای امنیتی در آخرین دقایق اعتصاب شد . ما با یورش نیروهای مسلح که به وسیله باتوم و انواع گازهای اشک آور به جان ما و خانواده هایمان افتادند و تنها به این وسیله توانستند محل تجمع ما را به هم بزنند و ما توانستیم تجربه ای بس بزرگ در جنبش کارگری ایران به دیگر تجارب این جنبش طبقاتی افزون کرده تا در دیگر روز با توانمندی سراسری و تشکل کارگری تمامی بساط نظام سرمایه داری را در هم پیچیم و بنای دنیائی را سازماندهی کنیم که از فقر ، تنگدستی ، اعتیاد ، فساد، نابرابری ، تبعیض ، زندان و اعدام خبری نباشد. دوستان پیروزی نهائی ما در گرو ایجاد تشکل سراسری کارگران با رویکرد ضد سرمایه داری آن است که می تواند برای همیشه به این توحش پایان دهد . نتیجه اعتصاب کارگران پرریس نه تنها شکست نبود بلکه برگ زرینی در جنبش کارگری ایران بود . این مقاومت به همه کارگران مبارک باد.

۲۷ شهریور ۱۳۸۵